



در این سرفصل همچنین می خوانید:

۴۴ فولاد به جای نفت

۴۵ فولاد ایران را جهانی کنیم

۴۶ ستاره خاورمیانه

۴۷ صنعت، امنیت ملی است

۴۸ آزمون فولاد

۵۰ خط قرمز فولادی

۵۱ اُفت و خیز جهانی

بهره در بازه ۲۰ تا ۳۰ درصدی در نوسان است، در حالی که مثلاً یک شرکت آمریکایی، تنها ۳ درصد بهره پرداخت می کند که این رقم عملاً هیچ تناسبی با نرخ های ۲۴ درصدی کشور ما ندارد و لذا رقابت بین المللی مفهومی نخواهد داشت.

تولیدکنندگان آمریکایی با تحریمی که تولیدکننده ایرانی با آن مواجه است دست و پنجه نرم نمی کند و به راحتی کالاها و مواد مورد نظر خود را تهیه می کند. حال تولیدکننده داخلی مجبور است با حضور در یک بازار رقابتی، قیمتی پایین تر از تولیدکننده خارجی را تعیین نماید که از همین جا مشکلات شروع می شود. انتقاد ما از دولت و مسؤولان به این مسأله بر می گردد که هنگامی که رقیب خارجی در مناقصه ای برنده شود، کشور ما به راحتی به وی حساب LC می دهد و به راحتی اجناس خود را بارگیری می کند و با تحویل اسناد به بانک، پول خود را دریافت می کند و در زمانی هم که سرمایه اش بی استفاده باقی مانده و در حال تولید است، بهره اش را با نرخ حداکثر ۳ درصد پرداخت می کند. اما در مقایسه ما باید تولید بکنیم و منتظر باشیم که چه زمانی جنس را از ما تحویل می گیرند. فرضاً اگر ۴ ماه تأخیر داشته باشیم، با احتساب ۲ درصد جریمه ماهانه، متحمل ۸ درصد ضرر خواهیم شد که مشکلات و پیگیری های طولانی مدت تولیدکننده داخلی برای دریافت بهای کالا، خود معضل دیگری است. این مسأله قدرت رقابت تولیدکننده داخل را می گیرد و تولیدکننده برای جبران ضرر، شروع به تعدیل نیرو و در نهایت تعطیلی بنگاه می کند. لذا دولت و کشور تنها به یک واسطه تبدیل خواهد شد که فقط وارد می کند.

در کشور ما، برای گشایش LC، مشکلات بسیاری

پیش روی تولیدکننده است. بسیاری از مشتریان LC ◀

صنعت فولاد به عنوان یکی از صنایع مادر و پایه در کشور، علیرغم آثار مبارکی که در ارکان اقتصادی جامعه بر جای گذاشته، با چالش های فراوانی مواجه بوده است. این امر که با اثرات جهانی بحران مالی و نتایج مخرب این بحران بر صنایع مختلف و وابسته به فولاد همزمان شده، رکودی سخت را در این صنعت در سطح جهان حاکم کرده است. مسایلی همچون کاهش تعرفه واردات فولاد، عدم ارایه تسهیلات بانکی، سیاست های بی ثبات اقتصادی، سوء مدیریت ها، عدم حمایت بخش دولتی و مواردی از این قبیل در کنار اثرات بحران جهانی که از کشورهای سرمایه دار به کشورهای آسیایی سرازیر شده است، مزید بر علت های فوق می باشد. هرچند با همه مسایلی که در حوزه صنعت فولاد در کشور و جهان شاهد آنها هستیم، به جرأت می توان ادعا کرد که صنعت فولاد از ظرفیت های بالایی در رشد اقتصاد و تضمین شرایط با ثبات برای کشور برخوردار است که به فعالیت رساندن آن نیازمند عزم عمومی دولت، بخش خصوصی، سیستم پولی، بازار سرمایه و عموم مردم است. متأسفانه از آنجا که به صنعت در کشور ما آنگونه که شایسته و بایسته است توجه کافی مبذول نشده، لذا فرصت تحقق پتانسیل های موجود در آن فراهم نشده است. صنعت فولاد یکی از این صنایع است که می تواند بسیاری از معضلات جامعه ما را نظیر بیکاری، رشد پایین اقتصادی و وابستگی به درآمدهای نفتی برطرف نماید. این ویژه نامه با حمایت گروه صنعتی صفا و مشترکاً توسط این مجموعه صنعتی و واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران» تهیه شده که به خوانندگان گرامی تقدیم می شود.

شرکت های ایرانی در چنبره مشکلات غیر ضروری

برای رقابت جهانی، دولت همسان سازی کند

مصاحبه اختصاصی ماهنامه اقتصاد ایران با آقای محمد رستمی صفا، مدیر عامل و رییس هیأت مدیره گروه صنعتی صفا

عمل طی چند سال گذشته، علیرغم این که همیشه شعار حمایت از صنعت را سر داده ایم، هیچ حمایتی از صنعت نداشته ایم. کارهای زیادی را داریم که باید در کشورمان و آن هم به دست خودمان انجام دهیم. کشورهای پیشرفته، سرمایه ها و امکانات خود را به صورت کامل به سوی صنعت خود سوق داده اند و یکی از دلایل موفقیتشان نیز بر همین اساس بوده است. کشور ما از جوانان مستعد و روشنفکر خوبی برخوردار بوده، اما هیچ گاه فرصتی برای به نمایش گذاشتن توانایی هایمان نداشته ایم. ما همیشه برای بیگانگان سودآوری کرده ایم، ولی برای خودمان کار خاصی انجام نداده ایم. ما می توانیم هم صادرکننده خوبی باشیم و هم واردکننده خوب. از طرفی در کشور ما نرخ

اقتصاد ایران: جناب آقای رستمی صفا، به عنوان سؤال اول، لطفاً نظر خود را در رابطه با رکود حاکم بر کشور ما که ناشی از دو عامل بحران مالی - اقتصادی جهانی و سیاست های سال های اخیر دولت مردان کشورمان می باشد بفرمایید و چه راهکاری را برای مقابله با بحران مذکور پیشنهاد می نمایید؟

همان گونه که مستحضرید، خوشبختانه ما در بخشی از اقتصاد جهانی زندگی می کنیم که رکود جهانی، تأثیر چندانی را نمی تواند بر جای بگذارد، چراکه ما یک جامعه در حال توسعه هستیم و فعالیت های بی شماری را داریم که باید در کشورمان و آن هم به دست خودمان انجام دهیم. ولی متأسفانه در



«محمد رستمی صفا» در خانواده‌ای صنعتگر و بازرگان به دنیا آمد. وی از سن ۱۶ سالگی پا به عرصه تجارت نهاد. وی که پدر را الگوی مدیریتی خود قرار داده است، همواره خود را مدیون پدر و مادر می‌داند. به گفته خود او «به احترام و سپاس زحمات مادر در هر جای دنیا باشم حتماً روزی یک بار نسبت به مادرم تقدیم ادب و ارادت می‌نمایم». فرزندان وی همگی پس از پایان تحصیلات، دوشادوش پدر در کار تولید و صنعت مشغول شده‌اند. وی انسانی با خدا، مهربان، سخت‌کوش، شجاع و صبور است. او یک مربی صنعتی است و پیوسته در تشکیل تیم و واحدهای صنعتی تلاش می‌کند. بهترین لذت‌های او بهره‌برداری، حصول ایده‌ها و ایجاد خط تولید جدید است. وی معتقد است: «ثروت امانتی است که خدا به او عطا نموده که با توسعه واحد صنعتی، ساخت مدرسه، بیمارستان و کمک به افراد مستحق سعی در بازگرداندن این امانت دارد.» به اعتقاد وی «هیچ وقت مشکلات را بیان نکنید، بلکه مدیریت کنید. مدیریت هنر چیرگی بر مشکلات است.» اگر به تعداد جوانانی که هر ساله وارد بازار کار می‌شوند نگاه کنیم، بیشتر متوجه مسؤلیت‌مان در توسعه اقتصاد کشور می‌شویم.

ایران را قبول ندارند و ما باید مثلاً در شهر دُبی - که سال‌های زیادی نیست که وارد تجارت شده‌اند - حساب باز کنیم. اما گروهی دیگر LC ما را قبول دارند، ولی می‌گویند باید در کشور دیگری باشد! بدین ترتیب، باید از دلالاتی کمک بگیریم که ۱۵ درصد بابت تأیید آن می‌گیرند. لذا تولیدکننده نیز مجبور است برای پوشش هزینه خود، این ۱۵ درصد را به روی قیمت خود بکشد که نتیجه آن از دست دادن قدرت رقابت در بازار است. مشکلات رکودی کشور ما به دلیل عدم حمایت از تولیدکننده داخل است. اگر امکانات در کشور ما همانند کشورهای همسایه و اروپایی قرار گیرد، مطمئناً صنعت ما رونق زیادی خواهد گرفت و بدین سان، تولید ثروت در کشورمان صورت می‌پذیرد؛ به نظر بنده، برای رفع مشکل رکود، دولت می‌باید صنعتگران داخلی را با رقبای خارجی همسان‌سازی نماید. یکی از مشکلات اساسی به عنوان مثال، دولت محصولی را از ما می‌خرد، ولی پول آن را با چندین ماه تأخیر پرداخت می‌نماید، اما ما می‌باید تا سررسید ۳ ماه، مبلغ مالیات بر ارزش افزوده آن را پرداخت نماییم که در صورت عدم پرداخت جریمه خواهیم شد. در صورتی که هنوز پولی بابت فروش کالیمان دریافت نکرده‌ایم.

اقتصاد ایران: به نظر شما چرا علیرغم همه اقداماتی که پس از انقلاب در کشور در حیطه مسایل

اقتصادی صورت گرفته، هنوز مشکلات اقتصادی کشور ما حل نشده‌اند؟

فکر می‌کنم بهتر است این سؤال را از دولت بپرسیم، چون آنها متولی این موضوع هستند. روزگاری از بسیاری از کشورهای دنیا جلوتر بودیم، اما در حال حاضر، شرایط به زیان ما رقم خورده است. اینها همگی به سیاست‌های اتخاذی از سوی دولت‌های ما بر می‌گردد. تا به حال هیچ کدام از تاجران برتر و خیره‌کننده کشور نتوانسته‌اند پست وزارت بازرگانی را به دست بیاورند، در حالی که آنها می‌توانند بازرگانی کشور را - به دلیل توانایی چندین و چند ساله خود، حتی در کلان اقتصادی کشور - رونق بی‌سابقه‌ای ببخشند.

اقتصاد ایران: شما وضعیت خصوصی‌سازی و پیاده‌سازی اصل ۴۴ را در کشورمان به خصوص در صنعت فولاد، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در حال حاضر، دولت شروع به خصوصی‌سازی نموده و می‌توان گفت کارنامه دولت فعلی با دستورات مقام معظم رهبری، کارنامه خوبی در این زمینه است، چراکه روند حرکتی خود را از شرکت‌های دولتی و تبدیل آن به شرکت‌های خصوصی آغاز نموده است. اما سؤالی که این جا به ذهن خطور می‌کند آن است که آیا این شرکت‌ها واقعاً خصوصی هستند یا نیمه

خصوصی و تحت پوشش دولت قرار دارند؟ در بسیاری از موارد، خصوصی‌سازی واقعی صورت نمی‌گیرد و تنها مشکل مالکیت است که تغییر می‌کند و مدیریت همچنان دولتی است. خوشبختانه وضعیت صنعت فولاد ایران مناسب است، اما اگر بخواهیم با کشورهای همسایه و جمعیت کشورمان مقایسه کنیم، خواهیم دید که عملاً هیچ کاری انجام نداده‌ایم که این امر شایسته و نیازمند توسعه صنعتی ایران است.

اقتصاد ایران: جنابعالی در مورد قیمت‌های فولاد چه تحلیلی دارید؟

اگر به ۱۵ سال گذشته برگردیم، قیمت فولاد معمولی برابر با ۱۵۰ دلار در هر تن و قیمت نفت در حدود ۸ دلار بود. اما در همان زمان، مصرف فولاد بالا بود. چین طرح‌های بازسازی خود را آغاز کرده بود و بسیاری از کشورها طرح‌های توسعه خود را گسترش داده بودند. اما به دلیل رشد قیمت نفت، قیمت فولاد رشدی ناگهانی را تجربه کرد و از ۱۵۰ دلار به هزار و ۲۰۰ دلار رسید. سرانجام با تمام ظرفیت‌ها و رشد کاذبی که قیمت فولاد داشت، قیمت نهایی آن به حدود ۴۰۰ دلار رسید که الان هم قیمت فولاد با اختلاف ۱۰ تا ۲۰ دلاری در همین حدود می‌باشد.

اقتصاد ایران: چشم‌انداز سال جاری را در پایان ۲۰۰۹

صنعتی برای چرخ‌های اقتصاد ایران فولاد به جای نفت

برای کشور ما که اولویت خروج از وابستگی‌های نفتی را سرلوحه برنامه‌های اقتصادی خود قرار داده است، صنعت فولاد بسیار حیاتی است.

با افتتاح طرح‌های فولادی کوچک، متوسط و بزرگ تا پایان سال ۸۸ ظرفیت تولید فولاد در کشور، معادل ۵۰ درصد افزایش خواهد یافت. گرچه به اعتقاد بسیاری از تولیدکنندگان، شرایط فعلی برای تولید این محصول چندان مناسب نیست، اما دولت و بخش خصوصی در تلاش هستند تا خودکفایی در تولید فولاد را تحقق بخشند. از همین رو برنامه‌هایی برای افتتاح طرح‌های جدید و افزایش ظرفیت تولید این محصول تا حد قابل توجهی در کشور از هر دو طرف مشهود است. در این راستا بر اساس پیش‌بینی‌های انجام گرفته، مقرر شده است تا ظرفیت تولید فولاد در ایران تا ماه جاری به ۱۷ میلیون تن برسد.

از طرف دیگر، تولید ۳۴ میلیون تن فولاد در برنامه پنج ساله مورد هدف قرار گرفته است. بنابراین دولت در تلاش است تا ظرفیت تولید ۱۷/۵ میلیون تنی در این مدت دو برابر شود. اما بر اساس گزارش ارایه شده از سوی سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی، میزان تولید محصولات فولادی در ۱۰ ماه ابتدای سال گذشته ۸ میلیون و ۲۷۴ هزار و ۷۰۳ تن بوده است.

این گزارش می‌افزاید بیش از ۴ میلیون تن از محصولات فولادی تولید شده، آهن و میلگرد بوده که بر این اساس، میزان تولید تیرآهن در مدت یاد شده یک میلیون و ۴۱۴ هزار و ۳۶۲ تن و میزان تولید میلگرد ۲ میلیون و ۷۷۱ هزار و ۲۲۵ تن بوده است. این گزارش میزان تولید انواع ورق سرد و گرم را حدود ۴ میلیون تن اعلام کرده و افزوده است: در ۱۰ ماه ابتدای سال جاری، حدود ۳ میلیون و ۱۲۴ هزار و ۱۷۰ تن ورق گرم و ۹۲۲ هزار و ۳۳۸ تن ورق سرد تولید شده است.

همچنین میزان تولید لوله و سایر محصولات فولادی در مدت زمان مورد گزارش، بیش از ۵۲ هزار تن برآورد شده است. سازمان نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران، میزان تولید کاترسل را در ۱۰ ماهه منتهی به دی ماه سال ۸۷ در حدود ۱۶۹ هزار و ۹۵۹ تن اعلام کرده که با توجه به تولید ۲۰۳ هزار تنی در سال ۸۶ با کاهش نسبی همراه بوده است. براساس این آمار، میزان تولید سنگ آهن در مدت زمان مورد گزارش ۲۰ میلیون و ۹۴۱ هزار و ۳۹۱ تن اعلام شده است.

اقتصادیون: در حال حاضر، دولت خصوصی سازی را تشویق و شرکت‌ها را ترغیب به انجام این امر نموده است. اما با وجود بسته‌های انقباضی بانکی، مشکلات نقدینگی و عدم ارایه وام و تسهیلات، نوعی تناقض در این اقدام وجود دارد. جنابعالی چه تحلیلی در این مورد دارید؟

به نظر من، سیاست‌های انقباضی بانک مرکزی پدید آورنده این نقض می‌باشد. از مدت‌ها قبل، یک شرکت می‌توانست از ۲۰ درصد سرمایه یک بانک استفاده کند، اما در حال حاضر، این نسبت به ۵ درصد تنزل یافته است. خوشبختانه بانک مرکزی در حال بررسی این موضوع برای تولیدات صنعتی است که امیدواریم راه حل مناسبی نیز برای این مسأله پیدا شود. نمی‌توان شرکت‌های بزرگ را - که حجم سرمایه بیشتر و در نتیجه تقاضای وام و تسهیلات بیشتری دارند - فدای شرکت‌های کوچک نمود، چراکه کشور و اقتصاد جامعه نیازمند شرکت‌های بزرگ تولیدی و رشد و تکاپوی هر دو گروه است.

اقتصادیون: در زمینه نقش صندوق ذخیره ارزی و بازار سرمایه در رشد و تعالی شرکت‌های صنعتی کشور توضیح بفرمایید؟

صندوق ذخیره ارزی می‌تواند کمک بسیار بزرگی برای صنعتگر داخلی باشد تا در جهت ترغیب آنان برای تولید و توسعه بنگاه‌ها اقدام کند. در حال حاضر، تنها شرکت‌های دولتی هستند که از آن بهره می‌برند و دیگر بنگاه‌های خصوصی، نفعی از به دست نمی‌آورند. در رابطه با بازار سرمایه، ما انتظار داریم بانک‌ها، مؤسسات سرمایه‌گذاری و سازمان بورس و اوراق بهادار - به نفع صنعت - خود فعال شوند که متأسفانه در این زمینه کمتر در توسعه اقتصادی و صنعتی کشور بهره‌بردار شده است.

اقتصادیون: متشکریم. ■

چگونه ارزیابی می‌کنید؟

فکر می‌کنم تا ۳ ماهه پایانی سال ۲۰۱۰ قیمت‌ها بر همین پایه خواهند بود. در حال حاضر، اقتصاد کشورهای بزرگ دنیا به هم ریخته و وضعیت اقتصادی مناسبی ندارند. آنها می‌باید خودشان را بازسازی نمایند که این بازسازی حداقل ۲ سال به طول خواهد انجامید.

اقتصادیون: آیا این کاهش قیمت‌ها با توجه شرایط تقاضا در کشورمان، روی روند تولید تأثیری داشته است؟

چون کشوری در حال توسعه هستیم، نیازمند فولاد می‌باشیم. ظرفیت موجود در داخل کشور هم می‌باید با تمام توان تولید کنند و مابقی نیاز را از خارج وارد نماییم. لذا افزایش عرضه در کشور، مشکل خاصی را برای تولید داخل - به دلیل اجرای طرح‌های توسعه بر مبنای برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته - به وجود نخواهد آورد.

اقتصادیون: آیا ریسک‌های ژئوپلیتیک از سال ۲۰۰۱ و سپس ۲۰۰۵ به بعد، بر روی کالاهای سرمایه‌ای، فولاد و نفت - از طریق بازارهای آتی - اثری داشته است یا خیر؟ آیا در آینده با توجه به شرایط منطقه، ریسک‌های ژئوپلیتیک افزایش پیدا می‌کنند؟

حداقل در یک سال آینده، ریسک قابل توجهی برای ما به وجود نخواهد آمد و آن هم به دلیل عدم ثبات در وضعیت بازار جهانی و وضعیت نسبتاً برتر و با ثبات تر ایران است. ولی ریسکی که می‌تواند روی کار ما تأثیرگذار باشد، تحریم‌های بین‌المللی است که وضعیت ما را با مشکل مواجه می‌سازد. در این راستا، ضرورت واردات تکنولوژی و کالاهای سرمایه‌ای، روند حرکتی صنایع و بنگاه‌های داخلی را به دلیل موانع تحریمی بسیار کند نموده است.

